

منطق ژانر و آنچه باید پیرامون آن در نظر بگیریم

روایتی ناتمام با پایانی باز



ژانر در فیلم کوتاه

کوتاه به سمت ژانر سوق پیدا کرده‌اند. جملگی با صدای رسا هر چه در توان دارند را رو می‌کنند تا کلمه ژانر را به گوش دیگران برسانند. انگاری تازه کشف شده است و سینمای آمریکا همراه با سایر کشورها در خوابی صد ساله بوده‌اند. حال که بیدار شده‌اند بهتر است همگی با هم یکصدا و هماهنگ ندای ژانر ژانر سر دهیم. باید انقدر ادامه بدهیم تا سینمای جهان نیز به این امر محیر العقول پی برده و به صراط مستقیم هدایت شود.

در پایان می‌توانیم به جنبه‌های مهم، تاثیر گذار و مثبت این رویدادها اشاره کنیم. رفتن به سمت قواعد و آنچه در سینما جهان مرسوم است خود می‌تواند در آینده‌های دور به کار آید. به شرط آنکه وفاداری به اصول رعایت شود. اهمیت دادن به جزئیات در امر بومی سازی و بومی گرایی یکی از کاربست‌های قابل ملاحظه است. حال اگر قرار باشد این بومی گرایی زیر سایه سبک و گونه‌های سینمایی باشد، فضا تخصصی و پیچیده تر خواهد شد. از این رو باید دیدگاهی منسجم و طبقه بندی شده در دستور کار قرار گیرد. دیدگاهی که در قدم اول به بومی گرایی توجه دارد. سپس با گذر زمان ژانر را نیز زیر نظر می‌گیرد. سپس این دو مقوله با یکدیگر عجین خواهند شد. نمی‌شود هر دو را به اصطلاح یک کاسه کرد.

بومی شدن فیلم‌ها و آثار سینمایی نقش یک بستر را برای ژانر بازی می‌کنند. لحن، لهجه و حال و هوایی فیلم‌ها در گاهی برای مخاطبان هستند. در گاهی که آن‌ها را به مسیر درون مایه و مضمون سوق می‌دهد. وسیله‌ای حرکت آن‌ها به سمت مضمون ژانر است. ژانر با ایده‌هایی که کارگردان و نویسنده در سر دارد، شکسته شده و بیننده را به مضمونی منحصر به فرد سوق می‌دهد. ژانرها به کار می‌روند تا مخاطب را به فضا نزدیک کنند. سپس موقعیت‌های حاضر در داستان این آشنایی را از بین برده و مخاطب را کنجکاو، متحیر، ناراحت یا خوشحال می‌کند. در نتیجه منطق جداگانه‌ای برای بومی گرایی و ژانر قابل برداشت است. چرا که ژانرها به نسبت فرهنگ و فضای اقلیمی یک منطقه از قواعد و ضوابط جهانی پیروی خواهند کرد. این دو مقوله جدا از هم به صورت پیوسته بروز خواهند کرد.

بنا کرده و مسیر را برای ایده و سوزهای کارگردان هموار می‌کند. حضور ژانر در روایت و تصویر قرار نیست رسالت کارگردان باشد، ژانر هست تا جهان بینی، حس، احساس و قوه ادراکی کارگردان و سپس مخاطب در جهت مشخصی قرار گیرد. اینکه صرفاً سوبیه‌هایی از ژانر و گونه‌های سینمایی را در میزانشن و قصه به کار بندیم و با خیالی آسوده به خانه‌های مان برگردیم، فیلم سینمایی نساخته‌ایم، شاید اسمش چیز دیگری باشد. اما فیلم سینمایی نیست!

تعریف و ضوابط ژانر به سینمای ایران نیز رخنه کرده است. اما اینکه توانسته جذب یا هضم شود جای پرسش دارد؟ با اشاره به دو طیف مذکور در ابتدای یادداشت، یک سری تعریف ژانر دریافت و به دنبال بومی سازی آن رفتند. نتیجه این امر فیلم‌هایی با عنوان دفاع مقدس شد. یک سری با گرته برداری از قواعد ژانر در سینمای جهان به فیلم‌های کمدی، نوار، اکشن و ترسناک روی آوردند. دسته دوم با توجه به محدوده جغرافیایی و فرهنگی کشور ایران از دستیابی به اغلب سبک‌های سینمایی همچون وسترن و موزیکال باز ماندند. از این طیف و به آن طیف رفتن در سینمای ایران روایتی ناتمام با پایانی باز است... ساختار مشخصی ندارد! همه چیز در ظاهر است. چه آن‌هایی که ژانر مختص به ایران را ساختند و چه آن‌هایی که از سینمای جهان پیروی کرده‌اند. نتوانستند به ژانر معنایی درست ببخشند. آن‌ها به قول آندرو تودور در ظاهر چیزهایی را به کار می‌بندند و با افتخار از نام ژانر برای تبلیغات خود استفاده می‌کنند. بنابراین در موقعیتی که برخی از گونه‌های سینمایی مطرح ممنوع یا غیر قابل ارائه است، چگونه می‌شود ژانر را سرلوحه قرار داد؟ یا آن‌ها با جشنواره و رویدادی پایه گذاری کرد؟ پاسخ به این پرسش از توان این نوشته خارج است. مگر آنکه از سردمداران مکتب سورئالیسم پاسخی درخور بگیریم! اینکه چگونه می‌شود وسترن، موزیکال و نوار بومی کرد و جزئیاتی از جامعه ایران را با آن‌ها منطبق دانست، امری است که تنها سالوادور دالی و هم‌قطاران او پس پاسخ گویی به آن برمی‌آیند. در ماه‌های اخیر چندین و چند بار نامی از بومی گرایی و ژانر دیده و شنیده‌ایم. پروژه‌های تحقیقاتی و عملیاتی در حوزه مستند و فیلم



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

محراب توکلی - در روزهای گذشته فراخوان چهلمین جشنواره فیلم کوتاه تهران نگاه رسانه‌ها را به مدیوم «فیلم کوتاه» معطوف کرده است. این جشنواره با رویکرد «بومی گرایی در ژانر» قصد دارد به آثاری که از سبک و سیاقی سینمایی (ژانر) پیروی می‌کنند، توجه کند. حال باید ببینیم چنین شعاری می‌تواند با حال و هوا و فضای سینمای ایران منطبق شود یا خیر؟

سینمای ایران در هر مدیومی - چه مستند، چه فیلم کوتاه و بلند - همواره سعی در پیکربندی و ارائه مسائل و مصائب اجتماعی داشته است. از طرفی برخی از نهادهای صاحب سرمایه با سفارش طرح‌های خود در کنار سینمای اجتماعی مسیری را راه‌اندازی کرده‌اند. در خلال این دو طیف فیلم‌هایی ساخته شده‌اند که برآمده از جهان بینی شخصی کارگردان‌ها هستند. فیلم‌هایی که خالقانشان به هنر سینما و اهمیت ساختار در آن دقت دارند. سینمای ایران سالیان سال است که با چنین رویکردی به مسیر خود ادامه داده است. ساختارهایی همچون شخصیت و روایت همگی به خدمت سینمایی به اصطلاح اجتماعی و سفارشی‌سازان درآمده است. چگونه در این روند می‌توان به مفهومی همچون ژانر رسید؟ مفهومی که در طی یک قرن با تیغ نظریه و تجربه صیقل خورده است. مفهومی که سینمای جهان آن را به پختگی لازم رسانده و تئوری‌های گوناگونی از دل آن بیرون آورده است. یکی از اصول مهم در این نظریات شکل و روایت است. اندرو تودور ژانر را به دو بحث شکل و روایت تقسیم می‌کند. شکل یعنی آنچه در ظاهر یک فیلم می‌بینیم، به طور مثال باران و سایه در ژانر نوار و روایت یعنی آنچه در داستان فیلم‌ها تثبیت شده است. مثلاً در آثار وسترن خیر همواره می‌خواهد شر را نابود کرده و عدالت را برقرار سازد. حال تصور کنید تمام ژانر‌هایی که تاکنون نامی از آن‌ها شنیده‌ایم، پشتوانه‌ای چند ساله دارند! از این رو وقتی از ژانر صحبت می‌کنیم باید بدانیم که دست روی مشخصه‌های بسیار وسیع زده‌ایم. مشخصه‌ای که شاید از کارکرد آن هم اطلاعی نداریم! ژانر به مثابه یک دستور و قاعده نقش بستری مشخص و معین را برای داستان و شخصیت‌های آن بازی می‌کند. ژانر چارچوب‌های مختص خود را

سری دوم ۲
رنالیتی شو

چهار شگفت انگیز

زمانی برای خندیدن ت

پخش از شبکه نسیم